



# استاد

[مهازرگر - چشم]

استادهایمان که می‌دوینتم به تازگی وارد گروه ساواک شده و یکی از آشنایان دورمون هم می‌شد. توی نگهبانی نشسته است. سریع برگشتم و رو به رویا گفتم: رویا نمی‌شه رفت، استاد متافیزیک توی نگهبانی نشسته است و نگهبان هم هست. رویا گفتم: خوب باشه می‌گیم می‌خواهیم بریم از یکی از بچه‌ها که در این اطراف خوششون هست، جزوه بگیریم که فردا امتحان داریم. گفتم نمی‌شه، باور نمی‌کنه، اون جدیداً عضو ساواک شده. رویا گفتم: نه دختر حقیقت نداره، گفتم: باور کن. رویا گفتم: نه فقط دنبال من بیا چون از آشنایان شماست، خیلی راحت از در نگهبانی عبور می‌کنیم. گفتم: نمی‌شه رویا گیر می‌افتم، هر دو تا مون. رویا گفتم: اینقدر نفوس بد زنن و دستمو کشید و گفت: راه بیفت. دیرم می‌شه، بچه‌ها منتظرم هستند. با اصرار رویا حرکت کردیم و بدون اینکه به نگهبان و استاد متافیزیک نگاه کنیم به راه افتادیم، قبل از اینکه کسی بخواد حرفی بزنه و چیزی بگه رویا سریع از در خوابگاه که نرده‌ای بود بیرون رفت و در خیابان سرعت گرفت و از نظر ناپدید شد. نگهبان که از این حرکت سریع رویا تعجب کرده بود رو به من که بدون اینکه به او نگاه کنم راه اومده رو برمی‌گشتم گفتم: دوست کجا رفت؟ سریع گفتم: رفقه جزوه یکی از بچه‌هایی که این اطراف خونه داره بگیره و بیاد. نگهبان گفتم: این موقع شب؟ گفتم: سریع برمی‌گرده که بگدغه استاد متافیزیک از اتاق نگهبانی بیرون و به سمت من آمد.

من که از ترس وحشت کرده بودم، روبروی او ایستاده بودم و شروع به عقب رفتن کردم چون می‌دونستم آدم بسیار بد اخلاقی و قانونمندی است که در همان حال استاد گفت: اسم اون دختر چی بود؟ من هم با ترس گفتم: چطور استاد؟ استاد گفت: این موقع شب جزوه گرفتن آنقدرها هم ضروری نبود، توی بگیر، بگیر شب و حکومت نظامی، راست بگو کجا رفت؟ رفت اعلامیه روی دیوارها بچسبونه؟ یا رفت توی تظاهرات شرکت کنه؟ من با ترس گفتم: نه استاد، این چه حرفیه که می‌زنی. اون اهل این جور چیزها نیست. استاد گفت: اسمش چیه و چه رشته‌ای می‌خونه؟ گفتم: نمی‌دونم استاد، اسمشو بلد نیستم. استاد در حالیکه اخم کرده بود، گفت: اگر بلد نیستی چطور دنبالش راه افتادی؟ دروغ می‌گی بیا اینجا کارت دارم. من که از ترس نفسم بند اومده بود و رنگم زرد شده بود، پایه فرار گذاشتم و شروع به نودیدن به سمت اتاق‌ها کردم اما در همان حال شنیدم استاد پشت سرم با بی سیم می‌گفت: یک تعداد نیرو به خوابگاه شماره ۴ دختران واقع در خیابان ژاله بفرستید.

من که نمی‌دانستم باید کجا بروم، جرات نکردم به اتاق خودم بروم، چون می‌دونستم سریع دستگیر می‌شم، به همین خاطر به سمت اتاق یکی از دوستانم که خیلی با اتاق من فاصله داشت، رفتم. بچه‌ها با دیدن سرو وضع آشفتنه من گفتند: چی شده دختر، کی دنبالت کرده؟ من من تمام تمام ماجرا را برای بچه‌ها تعریف کردم. شکلا گفتم: خوب چرا از دست استاد فرار کردی؟ گفتم: چون اون می‌خواست من رویا رو به اون بفرستم، می‌خواد از من یک جاسوس بسازه. چند دفعه بهم پیشنهاد داده امان قبول نکردم، امشب هم می‌خواستن از من اطلاعات بگیرن. اما من از دستش فرار کردم، مطمئن هستم با چندین نفر دیگه حالا تک تک اتاق‌ها رو برای پیدا کردن من می‌گرده تا دربار رویا از من اطلاعات بگیرن. حتماً تا حالا چند نفر دنبال اون فرستاده که ناگهان در اتاق باز شد و شقایق هراسان وارد اتاق شد و گفت: بچه‌ها نظامی‌ها به دنبال استاد متافیزیک دارند

ساعت از ۹ شب گذشته بود و هوا تاریک شده بود، همه جای شهر حکومت نظامی بود. رویا اعلامیه‌ها رو زیر چادرش گرفته بود و می‌خواست از در نگهبانی خارج بشه، من که اونو تا در خوابگاه همراهی می‌کردم،

وقتی دیوار اتاق‌ها رو دور زدیم، پشت دیوار ایستادم و رویا که جلوتر از من می‌رفت رو کشیدم و گفتم: رویا تنو اینجا می‌کن ببینم کی توی نگهبانی نشسته است. همین جوری که نمی‌شه از در نگهبانی این موقع شب رد

رویا گفتم: پس فقط سریع باش باید تا ۱۲ شب اعلامیه‌ها رو پخش کنم. گفتم: باشه صبر کن و از پشت دیوار سرک کشیدم و دیدم نگهبان به همراه یکی از

## باور سرد

ماشین متوقف شد. پیاده شد و چند قدمی برداشت. تابلوی بزرگ مسجد نظرش را جلب کرد... مسجد جمکران... با خودش زمزمه کرد. هنوز از رفتن به داخل مسجد بیزار بود. می‌خواست فرار کند و آنقدر بود که هیچکس به او نرسد. اما صدای مادر او را به خود آورد. تازنین... تازنین... با سرعت سرش را بطرف مادر چرخاند و با صدای بلند گفت: "مادر چرانمای بریم من از این جور جاها خوشم نمی‌یاد... مال آدم بزرگاست... من جوونم باید شاد باشم..." مادر چشمان درشتش را به او دوخت و آه کشید. از نگاه مادر فهمید که باید همراهش بیرون. وارد مسجد شدند. جمعیت موج می‌زد. کناری نشسته. در حالی که سرش را توی جمعیت می‌چرخاند، زنی که کنار محراب افتاده بود و زار می‌گریست، توجهش را جلب کرد تا نزدیک زن رفت و پرسید: خانم،



## ایستگاه آخر



به تابلوی ایستگاه تکیه داده بود. لب هایش را به هم می‌فشرد. به ساعتش نگاه می‌کرد... تاکسی، تاکسی... پسرچون، کمکم می‌کنی این کیسه برنج رو به اون طرف خیابون بدم... خدا بهت عوض بده... سعید اعتنایی نکرد. پیرزن نگاهش را به زمین دوخت، چادرش را جمع و جور کرد و به سختی از جایش بلند شد. سعید بلند شد و گوئی پیرزن را روی دوش گذاشت و به راه افتاد. ماشین‌ها به سرعت از جلوی چشمان سعید رد می‌شوند. کلافه شده بود. به ساعتش نگاه می‌کرد خطوط سفید وسط خیابان برای سعید چشمک می‌زدند. کیسه برنج را به جدول تکیه داد. "بیا، مادر جون، حالا می‌تونم برم..." پسرچون کاش اونو می‌داشتی تو پیاده رو. این جا نمی‌تونم منتظر پسرچون بوم... "مادر جون من امتحان دارم... دیرم شده، جلوی وجدانش خجالت کشید. کیسه برنج را به دیوار تکیه داد. از پیرزن خداحافظی کرد برگشت و به طرف ایستگاه نگاه کرد. کسی در ایستگاه دیده

نمی‌شد. اتوبوس جلوی چشمانش گرد شده سعید دور می‌شد. ساعت میدان، عدد هشت را نشان می‌داد. ماجده خسروی

# اگهی مزایده

اجرای احکام حقوقی دادگستری بندرعباس به موجب پرونده اجرائی ۵۰۲۱۸۶ که محکوم علیه آقای سیاوش نامداری به استناد راس شماره ۱۷۸-۸۶/۲۱۳۱ شعبه ششم دادگاه حقوقی بندرعباس محکوم برداخت ۲۵۵۸۲۰۷۱۸ ریال بابت نیم عمر اجرائی گردیده است. موضوع مزایده: اموال غیر منقول آقای سیاوش نامداری به میزان فوق توفیق گردیده. شش دانگ یک قطعه زمین دارای پلاک ثبتی ۱۳۶۰۳ فرسوز و مجزی شده از پلاک سه هزار و چهار صد و دوازده فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۲ بندرعباس به نشانی بندرعباس بلوار خلیج فارس حدود جنوب غربی پارک جنگلی شرقی خور تعاونی مسکن شرقی بندرعباس یک تیروی انتظامی هر مزگان که سند مالکیت آن ذیل ثبت ۱۹۱۳۴ صفحه ۱۳۶ دفتر املاک جلد ۱۰ بنام آقای سیاوش نامداری اعلام شده است ضمناً در نامه شماره ۵۹۶۵۴ مورخ ۱۱/۱۱/۸۶ اداره ثبت آمده است که در ردیف ۱۱۳۳ دفتر بازداشتی در قبال مبلغ دویست و شصت و چهار میلیون و هشتصد و بیست و هجده ریال (۲۳۸۲۰۷۱۸ ریال) بازداشت گردیده و نیز به حکایت پرونده قبلاً نیز در قبال مبلغ پنجاه میلیون ریال بازداشت بوده است که در نتیجه ملک مذکور در قبال مبلغ ۲۱۳۱۸۲۰۷۱۸ ریال بازداشت می‌باشد مساحت زمین مذکور ۲۰۳۶۲ متر مربع اعلام شده است. ۱- نام و نام خانوادگی صاحب ملک سیاوش نامداری ۲- محل وقوع ملک و توصیف اجمالی آن و تعیین اینکه ملک محل سکونت یا کسب و پیشه یا تجارت یا زراعت و غیره است. بندرعباس - بلوار خلیج فارس حدود جنوب غربی پارک جنگلی شرقی خور پروژه تعاونی مسکن شماره یک تیروی انتظامی هر مزگان ملک مورد مزایده بصورت قطعه زمین به مساحت ۲۰۳۶۲ متر مربع و محل سکونی است. ۳- تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه. ملک مورد مزایده دارای پلاک ثبتی می‌باشد. ۴- تعیین اینکه ملک در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره ملک مورد مزایده بصورت قطعه زمین است. ۵- تصریح به اینکه ملک مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن فروخته می‌شود. ملک مورد مزایده مفروز می‌باشد و شش دانگ آن بفروش می‌رسد. ۶- تعیین حقوقی که اشخاص نسبت به آن ملک تحت هر عنوان دارند. ملک مورد مزایده حسب نامه شماره ۵۹۵۲۱-۱۱/۱۱/۸۶ اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس برابر نامه ۱۱۳۳/۲۱/۲۲-۸۶/۲۱۳۱ داسری نظامی هر مزگان در قبال مبلغ پنجاه میلیون ریال بازداشت می‌باشد. ۷- قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود. ۴۰۷۲۲۴۰۰۰۰ ریال ۸- ساعت و روز و محل مزایده. ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۴ =محل مزایده دفتر اجرای احکام حقوقی دادگستری بندرعباس می‌باشد. ملک فعلاً توقیف می‌باشد و ملک مورد مزایده به مبلغ ۴۰۷۲۲۴۰۰۰۰ ریال ارزیابی و کارشناسی شده است با شرایط زیر از طریق مزایده کتبی به فروش می‌رسد. ۱- فروش نقدی است حداکثر مهلت پرداخت بها یک ماه می‌باشد ۲- کلیه هزینه‌های مربوط به معامله از هر قبیل و از هر جهت بعد از خریدار است. ۳- پیشنهاد دهندگان باید قبل از انجام مزایده در تاریخ روز مزایده با هماهنگی اجرائی احکام حقوقی دادگستری بندرعباس اقدام نمایند. ۴- این اجرا تحویل نمایند. ۴- اجرای احکام در رد یا قبول پیشنهادات مختار است. ۵- مزایده در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۴ بصورت حضوری در محل دفتر اجرای احکام حقوقی دادگستری بندرعباس بعمل می‌یابد و برنده کسی است که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید. ۶- در صورتیکه برنده تا یک ماه از جلسه مزایده و با انعقاد مهلت از پرداخت بیا، مورد مزایده خودداری نماید مسئول کسر احتمالی قیمت و خساراتی که از تجدیدی مزایده حاصل شود خواهد بود که بدو بازسپرده و استیفا می‌شود و سبیره در تعیین کسر قیمت و خسارات وارده مسترد نخواهد شد و متقاضیان شرکت در مزایده برای کسب اطلاع بیشتر می‌توانند به اجرای احکام حقوقی دادگستری بندرعباس مراجعه نمایند.

## مدیر اجرای احکام حقوقی دادگستری بندرعباس لشکری

### آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم ناهید مرادی به موجب وکالتنامه و تعویض وکالت نامه شماره ۴۳۱۹ مورخ ۸۵/۱۱/۱۴ دفتر ۳۹ بندرعباس حسب تقاضای وارده شماره ۶۸۱۲۶ مورخ ۸۶/۱۲/۱۹ و به استناد یک فقره استشهادیه محلی در خصوص یک و یک چهارم دانگ مشاع از پنج دانگ مشاع از شش دانگ پلاک شماره ۹۳۵ فرعی از ۳۵۶۹ - اصلی بخش یک بندرعباس مدعی شده است که سند مالکیت شماره ۶۸۷/۱۲۴ الف/۸۶ در صفحه ۱۲۸ دفتر ثبت ۵۱۷۲۳ ثبت و سند بنام محمد علی جداد زحمتکش صادر و تسلیم گردیده است و سپس برابر سند قطعی شماره ۳۷۲۷۲ مورخ ۸۶/۱۰/۱۷ دفتر ۵ بندرعباس به آقای پژمان پیشگاه حقی انتقال شده است و برابر سند شماره رهنی شماره ۲۷۲۸۵ مورخ ۸۶/۱۰/۱۷ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۵ بندرعباس نزد بانک مسکن شعبه مرکزی بندرعباس می‌باشد بعلت جابجایی مقفود گردیده است نامبرده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا با استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی و تبصره ذیل آن بدینوسیله اعلام می‌شود هرکس مدعی انجام معامله نسبت به پلاک مذکور و وجود اصل سند مالکیت در نزد خود می‌باشد بایستی از تاریخ انتشار آگهی طرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید بدیعی است پس از انقضای مهلت قانونی مذکور و عدم وصول اعتراض و یا وصول اعتراض و عدم ارائه سند و نسبت به صدور سند مالکیت المثنی بنام متقاضی اقدام خواهد شد.

تاریخ: ۸۶/۱۲/۲۷ - شماره: ۳۵۹۹ م الف

سید احمد حسینی رئیس ثبت اسناد و املاک بندرعباس

## نمایشگاه‌های از غدیر تا عاشورا

### عرضه: انواع وسایل عزاداری و تعزیه خوانی

پلاکارد - پرچم - نوار کاست - Cd-vcd-mp3 عزاداری و مداحی و تعزیه خوانی - طبل - سنج - شیپور - وسایل تعزیه خوانی شمشیر - علم - لباس - خنجر - کلاه خود و غیره

### نسخه‌های تعزیه خوانی

انواع نوار و cd عزاداری و تعزیه خوانی استان هر مزگان

ویژه هیئت‌ها؛ حسینیه‌ها و دستجات عزاداری

آدرس: بندرعباس - پارک شهید دباغیان جنب مسجد پیامبر اعظم(ص)

تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۶۰۴۰۳۲ - ۰۱۳۰۰۲۲۴ - ۳۳۵۳۰۴۱

مجموعه فرهنگی مذهبی خامسی آل عبا

## موسسه سنتی بنر سبز

مشاوره و مجری برنامه‌های فرهنگی هنری  
نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها، جنگ شادی و ...

### آموزش موسیقی



بندرعباس، خواجه‌مطا، خیابان فلسطین بطرف استناداری  
کوچه چمران ۳۱ تلفنکس: ۳۳۳۳۵۷۹  
همره: ۰۹۱۷۳۶۹۹۸۸۶ ۰۹۱۷۳۶۸۱۷۷

# www.daryanews.ir

پایگاه اطلاع رسانی daryanews.ir شما را بادیاری از اطلاعات و داده‌ها آشنا می‌سازد

جذاب ترین

مطالب خواندنی

جدیدترین اخبار

استان، ایران و دنیا